

« به نام او ، به یاد او، برای او »

« دبیرستان : علامه حلی (۱) »

« قواعد درس اَوَّل (مرور دروس دوره اَوَّل متوسطه) »

« تَهِیه و تَنْظِیم : فدایی / دبیر دبیرستان حلی *** »

« جزوه درسی : پایه دهم »

« سال تحصیلی : ۹۶ - ۹۷ »

« قواعد درس دَوْر » : المَوَاعِظُ العَدَدِيَّةُ :

« الأعداد من واحدٍ إلى مِئَةٍ (اعداد از ۱ تا ۱۰۰) :

در زبان عربی اعداد به دو گروه « اصلی و ترتیبی » تقسیم می‌شوند.

« اعداد اصلی » : بیانگر تعداد هستند ؛ مثال : یک - دو - سه - چهار و ...

« اعداد ترتیبی » : نشان دهنده‌ی رتبه و جایگاه بوده که در زبان فارسی با پسوند « ... م ... م ... یا « ... مین » به کار می‌رود. مثال : یکم - دوم - سوم و ...

یکمین - دومین - سومین و ... اعداد ترتیبی بر وزن « الفاعِل، برای مذکر » و « الفاعِلَة، برای مؤنث » می‌آیند ؛ الدَّرْسُ السَّادِسُ / الصَّفْحَةُ الثَّالِثَةُ / الإمامِ الثَّامِنِ

« به اسمی که مورد شمارش قرار می‌گیرد « معدود » گفته می‌شود ؛

« سیَّارةٌ واحدةٌ [سیَّارةٌ : معدود] : یک ماشین - ثلاثةٌ كُتُبٍ [كُتُبٌ : معدود] : سه کتاب - أَحَدٌ عَشَرَ كَوِكبًا ؛ [كَوِكبًا : معدود] : یازده ستاره

« اکنون به نکات کلیدی پیرامون اعداد توجه کنید :

« ۱ اعداد ۱ (واحد - واحدة) و ۲ (اثنان - اثنین / اثنان - اثنین) :

« برای معدود خود « صفت » محسوب می‌شود، یعنی عدد بعد از معدود خود می‌آید.

یعنی در تمام موارد از جمله جنس و تعداد و داشتن و یا نداشتن « ال » و حرکات از معدود خود تبعیت می‌کند (مثال :

« جاء رجلٌ واحدٌ. - شاهدتُ سیَّارةً واحدةً. - قرأتُ کتابینِ اثنین. - قرأتُ مجلَّتینِ اثنین. »

« ۲ اعداد ۳ تا ۱۰ » : (ثلاثة - أربعة - خمسة - ستة - سبعة - ثمانية - تسعة - عشرة)

« برای معدود اعداد ۳ تا ۱۰ همواره به صورت « جمع و مجرور » می‌آید و عدد از نظر جنس « برعکس مفرد معدود » خود می‌باشد.

یعنی اگر مفرد معدودشان « مذکر » باشد، عدد به صورت « مؤنث » می‌آید و اگر مفرد معدودشان « مؤنث » باشد، عدد به صورت « مذکر » می‌آید (مثال :

« هفت کتاب دارم ← لی سَبْعَةٌ كُتُبٍ. [مفرد « الكُتُب »، « کتاب » می‌باشد پس مذکر است و باید عدد را به صورت مؤنث بیاوریم]

« شش درخت ← سِتُّ شَجَرَاتٍ. [مفرد « شَجَرَات »، « شَجْرَة » می‌باشد و مؤنث است پس باید عدد را به صورت مذکر بیاوریم]

« نکته ۱ » : لازم به ذکر است که محلّ اعرابی این اعداد (نقش این اعداد) با توجه به جایگاهی است که در جمله قرار گرفته‌اند. مثال :

« پنج کتاب را از کتابخانه خریدم : اِشْتَرَيْتُ خَمْسَةَ كُتُبٍ مِنَ المَكْتَبَةِ. (خَمْسَةٌ : مفعول)

« ۳ اعداد ۱۱ و ۱۲ » : (أَحَدٌ عَشَرَ - إِحْدَى عَشْرَةَ // اِثْنَا عَشَرَ - اِثْنَيْ عَشَرَ - اِثْنَا عَشْرَةَ - اِثْنَيْ عَشْرَةَ) :

از نظر جنس و تعداد با معدود خود تبعیت می‌کند و معدودشان همواره « مفرد و منصوب » می‌آید. مثال :

« یازده ستاره ← أَحَدٌ عَشَرَ كَوِكبًا - یازده ماشین ← إِحْدَى عَشْرَةَ سیَّارةً - دوازده دانش‌آموز ← اِثْنَا / اِثْنَى عَشَرَ تَلْمِیذًا »

« ۴ اعداد ۱۳ تا ۱۹ » : (ثلاثة عشر - أربعة عشر - خمسة عشر - ستة عشر - سبعة عشر - ثمانية عشر - تسعة عشر) :

« معدودشان همواره « مفرد و منصوب » است. [قسمت اول عدد (قسمت دور به معدود) از نظر جنس مخالف معدود، و قسمت دوم (قسمت نزدیک به معدود)

موافق جنس معدود می‌باشد.] و هر دو قسم با حرکت « فتحة » می‌آیند. مثال :

« سیزده کتاب : ثلاثة عشر کتاباً ؛ [ثلاثة : قسمت دور به معدود و از نظر جنس مخالف معدود / عشر : قسمت نزدیک به معدود و از نظر جنس موافق معدود]

« هجده دانش‌آموز دختر : ثمانية عشر تَلْمِیذَةً ؛ [ثمانی : قسمت دور به معدود از نظر جنس، مخالف معدود / عشرة : قسمت نزدیک به معدود از نظر جنس، موافق معدود]

👁️ : ۵) عُقُود، دهگان‌ها : (عِشْرُونَ - عِشْرِينَ / ثَلَاثُونَ - ثَلَاثِينَ / أَرْبَعُونَ - أَرْبَعِينَ / خَمْسُونَ - خَمْسِينَ ...) ؛
 ✓ معرود این اعداد « مفرد » می‌باشد و عدد به دو شکل « ون - ين » دیده می‌شود. مثال :

- جاءَ عِشْرُونَ تَلْمِيزًا. - شاهدتُ عِشْرِينَ تَلْمِيزًا.
- حَضَرَتْ ثَلَاثُونَ طَالِبَةً فِي الصَّفِّ. - شاهدتُ الْمُعَلِّمَةَ ثَلَاثِينَ طَالِبَةً فِي الصَّفِّ.
- سَلَّمْتُ عَلَى عِشْرِينَ تَلْمِيزًا.
- سَلَّمْتُ الْمُعَلِّمَةَ عَلَى ثَلَاثِينَ طَالِبَةً.

👁️ : ۶) اعداد میان دهگان‌ها : (۲۱ تا ۲۹ / ۳۱ تا ۳۹ / ۴۱ تا ۴۹ و ۹۱ تا ۹۹) ؛ عدد یکان + و + عقود + معدود
 ** با این توضیح که ؛ اعداد ۲۱ - ۲۲ - ۳۱ - ۳۲ - ۴۱ - ۴۲ و ۹۱ و ۹۲ :

✓ معرود همواره « مفرد و منصوب » می‌باشد و جزء اول عدد (قسمت دور) از نظر « جنس » موافق با معدود می‌باشد ؛

- ۲۱ دانش آموز پسر در کلاس هستند ؛ فی الصَّفِّ واحدٌ و عِشْرُونَ تَلْمِيزًا. - ۲۲ دانش آموز دختر را دیدم ؛ شاهدتُ اثْنَتَيْنِ و عِشْرِينَ تَلْمِيزَةً.

** و اعداد ؛ (۲۳ تا ۲۹ - ۳۳ تا ۳۹ - ۴۳ تا ۴۹ - ۹۳ تا ۹۹) :

✓ معرود همواره « مفرد و منصوب » می‌باشد و جزء اول عدد (قسمت دور) از نظر « جنس » مخالف با معدود می‌باشد و عُقُود (جزء نزدیک به معدود)

معطوف به یکان می‌باشد. یعنی با توجّه به نقش یکان، آن هم مرفوع (با شکل « ون ») و یا منصوب و یا مجرور (با شکل « ين ») می‌آید. مثال :

- ۳۶ خانه ؛ سِتَّةٌ و ثَلَاثُونَ بَيْتًا / سِتَّةٌ و ثَلَاثِينَ بَيْتًا.

- ۴۵ درخت ؛ خَمْسٌ و أَرْبَعُونَ شَجَرَةً / خَمْسٌ و سَبْعُونَ لَيْلًا / سَبْعَةٌ و سَبْعِينَ لَيْلًا.

۷) عدد صد (مِئَةٌ - مِائَةٌ ؛ ۱۰۰) ؛ معدود این عدد « مفرد و مجرور » است. مثال : - مِئَةٌ (مِائَةٌ) حَبَّةٌ. - لَنَا مِئَةٌ (مِائَةٌ) تَلْمِيزَةٍ فِي مَدْرَسَتِنَا.

۸) اعداد ترتیبی همانطور که گفته شد برای بیان رتبه و جایگاه می‌آیند و معمولاً برای اسم قبل از خود « صفت » محسوب می‌شوند.

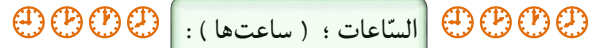
- الدَّرْسُ الثَّامِنُ - الصَّفْحَةُ السَّادِسُ - المَرَّةُ الثَّالِثَةُ - التَّمْرِينُ الخَامِسُ

*** در جدول زیر معدود « مذکر » در نظر گرفته شده است ***

« العُقُود » (اعداد با فاصله ده تایی)	الأعداد الترتیبیَّة (الأول إلى العِشْرِينَ) اعداد ترتیبی از (یکم تا بیستم)		الأعداد الأَصْلِیَّة (واحد إلى عِشْرِينَ) اعداد اصلی از (۱ تا ۲۰)			
		الأوَّلُ ؛ (یکم)	الحادی عَشَرَ ؛ (یازدهم)	واحد ؛ (یک)	أحدَ عَشَرَ ؛ (یازده)	۱۱
عِشْرُونَ ؛ (بیست)	الثَّانِي ؛ (دوم)	الثَّانِي عَشَرَ ؛ (دوازدهم)	إثْنان ؛ (دو)	إثْناعَشَرَ ؛ (دوازده)	۱۲	۲۰
ثَلَاثُونَ ؛ (سی)	الثَّالِث ؛ (سوم)	الثَّالِث عَشَرَ ؛ (سیزدهم)	ثَلَاثَة ؛ (سه)	ثَلَاثَة عَشَرَ ؛ (سیزده)	۱۳	۳۰
أَرْبَعُونَ ؛ (چهل)	الرَّابِع ؛ (چهارم)	الرَّابِع عَشَرَ ؛ (چهاردهم)	أَرْبَعَة ؛ (چهار)	أَرْبَعَة عَشَرَ ؛ (چهارده)	۱۴	۴۰
خَمْسُونَ ؛ (پنجاه)	الخامِس ؛ (پنجم)	الخامِس عَشَرَ ؛ (پانزدهم)	خَمْسَة ؛ (پنج)	خَمْسَة عَشَرَ ؛ (پانزده)	۱۵	۵۰
سِتُّون ؛ (شصت)	السَّادِس ؛ (ششم)	السَّادِس عَشَرَ ؛ (شانزدهم)	سِتَّة ؛ (شش)	سِتَّة عَشَرَ ؛ (شانزده)	۱۶	۶۰
سَبْعُونَ ؛ (هفتاد)	السَّابِع ؛ (هفتم)	السَّابِع عَشَرَ ؛ (هفدهم)	سَبْعَة ؛ (هفت)	سَبْعَة عَشَرَ ؛ (هفده)	۱۷	۷۰
ثَمَانُونَ ؛ (هشتاد)	الثَّامِن ؛ (هشتم)	الثَّامِن عَشَرَ ؛ (هجدهم)	ثَمَانِيَة ؛ (هشت)	ثَمَانِيَة عَشَرَ ؛ (هجده)	۱۸	۸۰
تِسْعُونَ ؛ (نود)	التَّاسِع ؛ (نهم)	التَّاسِع عَشَرَ ؛ (نوزدهم)	تِسْعَة ؛ (نه)	تِسْعَة عَشَرَ ؛ (نوزده)	۱۹	۹۰
	العاشِر ؛ (دهم)	العاشِر عَشَرَ ؛ (بیستم)	عِشْرَة ؛ (ده)	عِشْرُونَ ؛ (بیست)	۲۰	

مِئَةٌ (مِائَةٌ) ؛ (صد) ۱۰۰

@Arabicfadaei / تلگرام



السَّاعَاتُ ؛ (ساعت‌ها) :

* در ادامه‌ی مبحث ساعت با شکلهای دیگر آن آشنا می‌شویم ؛

*** لازم به ذکر است که ساعت را با « اعداد ترتیبی » و دقیقه را با « اعداد اصلی » نشان می‌دهیم. به مثالهای زیر دقت کنید :

- ۱) ساعت پنج (۵ : ۰۰) ؛ السَّاعَةُ الْخَامِسَةُ تَمَامًا.
- ۲) ساعت شش و پانزده دقیقه (۶ : ۱۵) ؛ السَّاعَةُ السَّادِسَةُ وَالرُّبْعُ / السَّاعَةُ السَّادِسَةُ وَخَمْسَ عَشْرَةَ دَقِيقَةً.
- ۳) ساعت چهار و نیم (سی دقیقه) (۴ : ۳۰) ؛ السَّاعَةُ الرَّابِعَةُ وَالنِّصْفُ / السَّاعَةُ الرَّابِعَةُ وَثَلَاثُونَ دَقِيقَةً.
- ۴) ساعت نه و چهل و پنج دقیقه (۹ : ۴۵) ؛ السَّاعَةُ الْعَاشِرَةُ إِلَّا رُبْعًا / السَّاعَةُ الْعَاشِرَةُ إِلَّا خَمْسَ عَشْرَةَ دَقِيقَةً / السَّاعَةُ التَّاسِعَةُ وَخَمْسَ وَارْبَعُونَ دَقِيقَةً.

@Arabicfadaei / تلگرام

*** فَنَ التَّرْجَمَةِ لِلدَّرْسِ الثَّانِي ***

گاهی حرف اضافه معنای فعل را تغییر می‌دهد ؛ مثال :

۱) « قَامَ : ایستاد » و « قَامَ + بِ : اقدام کرد - عمل کرد - پرداخت »

۲) « جَاءَ - أَتَى : آمد » (فعل ناگذر) و « جَاءَ + بِ ، أَتَى + بِ : آورد » (فعل گذرا - مفعول پذیر)

☑ لازم به ذکر است که حرف « بِ » می‌تواند به اسم یا ضمیری که بعد از فعل آمده بچسبد یا اینکه می‌تواند با فعل چند کلمه فاصله داشته باشد.

- يَدْخُلُ الْأُسْتَاذُ فِي الصَّفِّ فَيَقُومُ الطُّلَابُ احْتِرَامًا لَهُ : استاد وارد کلاس شد و دانشجویان به احترامش بر می‌خیزند.

- قَامَ جَدِّي بِتَوْزِيعِ الْهَدَايَا عَلَى الْبَنَاتِ وَالْبَنِينَ فِي الْحَفْلَةِ : پدر بزرگم در جشن، به پخش هدیه‌ها میان دختران و پسران پرداخت.

- جَاءَ أَخِي الْمِضْيَافُ بِالطَّعَامِ لِضُيُوفِنَا الْأَعْرَاءَ : برادر میهمان نوازم برای میهمانان گرامیمان خوراک آورد.

- قَامَ الطَّالِبُ بِقِرَاءَةِ دَرُوسِهِ : دانش‌آموز به خواندن درسهایش پرداخت.

- جَاءَ صَدِيقِي لِي بِكِتَابٍ مِنَ الْمَكْتَبَةِ : دوستم برایم کتابهایی را از کتابخانه آورد.

***** لغات و کلمات درس دوم *****

۲۵) زائد : به اضافه / به علاوه (+)	۱۳) ظَهَرَ (يَظْهَرُ) : آشکار شد - نمایان شد	۱) المَوَاعِظُ (جمع مَوْعِظَةٌ) ؛ پند و اندرز
۲۶) لَبِثَ (يَلْبِثُ) : اقامت کرد و ماند	۱۴) يَنْبِيعُ : جویهای پر آب - چشمه‌ها	۲) بَعْضٌ ... بَعْضًا : یکدیگر
۲۷) يُسَاوِي : مساوی است	۱۵) الْوَجَعُ : درد و بیماری	۳) يَجْرِي : جاری است
۲۸) أَشَدُّ : شدیدتر - سخت‌تر	۱۶) مَا أَجْمَلُ ؟ : چه زیباست ؟ (چقدر زیباست ؟)	۴) عَلَّمَ (يُعَلِّمُ) : یاد داد
۲۹) الْحِلْمُ : بردباری - شکیبایی	۱۷) نَعَجَةٌ : گوسفند - میش	۵) أَجْرِي (يُجْرِي) : جاری کرد
۳۰) الثَّمَلَةُ : مورچه	۱۸) جَاءَ (يَجِيءُ) : آمد	۶) غَرَسَ (يَغْرِسُ) : کاشت
۳۱) فَاقَ (يَفُوقُ) : برتری یافت	۱۹) جَاءَ بِ (يَجِيءُ بِ) : آورد	۷) بَنَى (يَبْنِي) : ساخت
۳۲) أَجْرٌ : پاداش	۲۰) يَتَنَاجَى : با هم راز و نیاز می‌کنند	۸) وَرَثَ (يُورِثُ) : به ارث گذاشت
۳۳) السَّائِحُ : گردشگر	۲۱) الْمِضْيَافُ : مهمان نواز	۹) يَسْتَعْفِرُ : آمرزش می‌خواهد
۳۴) قِ : نگه دار	۲۲) الضُّيُوفُ : مهمانان	۱۰) أَمْسَكَ (يُمْسِكُ) : به دست گرفت - نگاه داشت
۳۵) غَرَامٌ : گرم	۲۳) أَرْسَلْنَا : فرستادیم	۱۱) يَتَرَاخَمُ : به هم مهربانی می‌کنند
۳۶) غَفَّرَ (يَغْفِرُ) : آمرزید	۲۴) الْبَيِّنَاتُ : برهان‌ها - دلایل	۱۲) يَكْفِي : بس است - کافی است

(۳۷) مُصَحَّف : قرآن

(۳۸) كَلُوا : بخورید

(۳۹) لَا تَفَرَّقُوا : پراکنده نشوید

(۴۰) أَخْلَصَ : مُخْلِصٌ شد

(۴۱) الشَّعْبُ : مَلَّتْ

(۴۲) قَامَ (يَقُومُ) : برخاست

(۴۴) لَا تَتَّخِذُوا : نگیرید

(۴۵) البِئْرُ : چاه

(۴۳) قَامَ بِـ (يَقُومُ بِـ) : اقدام کرد - انجام داد - پرداخت

« کلمات متضادّ درس دوم »

- | | | |
|---|---|---|
| (۱) بَعْدٌ ≠ قَبْلٌ (بعد ≠ قبل) | (۲) الْحَلَالُ ≠ الْحَرَامُ (حلال ≠ حرام) | (۳) الصَّغِيرُ ≠ الْكَبِيرُ (کوچک ≠ بزرگ) |
| (۴) غَرَسَ ≠ حَصَدَ (کاشت ≠ برداشت) | (۵) الْمَوْتُ ≠ الْحَيَاةُ (مرگ ≠ زندگی) | (۶) الْجَمِيعُ ≠ الْوَحِيدُ (همگی ≠ تنها) |
| (۷) الزَّائِدُ ≠ النَّاقِصُ (به علاوه ≠ منها) | (۸) الطَّاعَةُ ≠ الْمَعْصِيَةُ (اطاعت ≠ گناه) | (۹) الْفَقْرُ ≠ الْغِنَا (تنگدستی ≠ بی‌نیازی) |

« کلمات مترادف درس دوم »

- | | | |
|--|--|--|
| (۱) الْجِلْمُ = الصَّبْرُ (شکیبایی) | (۲) أَجْرٌ = جَزَاءٌ (پاداش) | (۳) وَكَّدَ = إِبْنٌ (پسر) |
| (۴) وَقَى = حَفِظَ (نگه داشت) | (۵) وَرَثٌ = تَرَكَ (بر جای گذاشت) | (۶) الْخَلْقُ = النَّاسُ (مردم) |
| (۷) بَنَى = صَنَعَ (ساخت) | (۸) السَّنَةُ = الْعَامُ (سال) | (۹) الْمَوْعِظَةُ = النَّصِيحَةُ (پند و اندرز و نصیحت) |
| (۱۰) الْمِسْكِينُ = الْفَقِيرُ (بیچاره) | (۱۱) خَيْرٌ = أَفْضَلُ (برتر، بهتر) | (۱۲) الْعِدَاوَةُ = عُدْوَانٌ (دشمن) |
| (۱۳) آتَى = أَعْطَى = أَفْرَغَ (داد، عطاکرد) | (۱۴) إِذَا = عِنْدَمَا (هنگامی که) | (۱۵) قَامَ بِـ = فَعَلَ (انجام داد - پرداخت) |
| (۱۶) الْعَظِيمُ = الْكَبِيرُ (بزرگ) | (۱۷) الْيَتَابِعُ = الْعُيُونُ (چشمه‌ها) | |

« جمع‌های مکسر درس دوم »

- | | | |
|---|--|---|
| (۱) الْأئِمَّةُ ← الْإِمَامُ (پیشوا) | (۲) الْمَسَاكِينُ ← الْمِسْكِينُ (بیچاره) | (۳) يَتَابِعُ ← يَنْبُوعٌ (چشمه) |
| (۴) الْعِبَادُ ← الْعَبْدُ (بنده) | (۵) الشُّعُوبُ ← الشَّعْبُ (ملّت) | (۶) إِخْوَانٌ ← إِخْوَةٌ (برادر) |
| (۷) الْأَجْزَاءُ ← الْجُزْءُ (قسمت ، جزء) | (۸) الْمَوَاعِظُ ← الْمَوْعِظَةُ (پند و اندرز) | (۹) الْأَنْفُسُ ← النَّفْسُ (جان ، روح ، خود) |
| (۱۰) الْأَبْنَاءُ ← الْإِبْنُ (پسر) | (۱۱) الدَّقَائِقُ ← الدَّقِيقَةُ (دقیقه) | (۱۲) الضُّيُوفُ ← الضَّيْفُ (مهمان) |

محل یادداشت نکات

@Arabicfadaei / تلگرام

